

# فطرت

دکتر مهدی فیض



## واژه‌شناسی

کلمه «فطرت» در عربی به صورت «فطره»، بر وزن «فعله» و مصدر نوعی است. خود این کلمه فقط یک بار در قرآن کریم به کار رفته است، در حالی که مشتقات آن به کرات در قرآن کریم به کار گرفته شده‌اند. تنها کاربرد خود این کلمه در قرآن در مورد رابطه انسان با دین است (روم/۳۰). در هر حال، کلمه «فطرت» با توجه به اینکه مصدر نوعی است به معنای نوع خاصی از ابداع و آفرینش است (مرتضی مطهری، فطرت: ۱۹؛ همو، نقدی بر مارکسیسم: ۲۵۰).

در میان اندیشمندان مسلمان دوره معاصر، آیت‌الله شاه‌آبادی، امام خمینی و شهید مطهری، کسانی هستند که به‌طور جدی در صدد تبیین شناخت انسان از خداوند و گرایش انسان به او از طریق فطرت برآمده‌اند. اهمیت فطرت و ارتباط آن با گرایش انسان به خداوند و شناخت او، در نگاه آنان به قدری مهم است که بحث فطرت را «ام‌المسائل» یا «اصل مادر» شمرده‌اند. از سوی دیگر، در اسناد کلان نظام آموزش و پرورش کشور، بارها به موضوع «فطرت» اشاره شده است. متن حاضر عمدتاً بر اساس دیدگاه‌های شهید مطهری تدوین شده است.

## اصطلاح‌شناسی

در اکثر متون دینی، مقصود از فطرت، ویژگی‌هایی است که سبب تمایز انسان از دیگر موجودات جهان می‌شود و این ویژگی به نحوی «بالقوه» در انسان وجود دارد. «بالقوه بودن» امور فطری از دیدگاه شهید مطهری اهمیت فراوانی دارد. به همین دلیل، ایشان در آثار متعدد در توضیح امور فطری از این اصطلاح استفاده کرده است (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵، ص ۱۰۵؛ مسئله شناخت، ص ۲۴۱). در آثار ایشان، گاه نیز به جای تعبیر «بالقوه»، از چنین تعبیری استفاده شده است: «اقتضا» (تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی، ص ۵۲)، «تقاضا» (فطرت، ص ۲۴۴؛ قیام و انقلاب مهدی (عج) به ضمیمه شهید، ص ۵۳)، «ماده» (تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی، ص ۵۳)، «بذر» (تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی، ص ۵۳؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۴، ص ۶۶) و «استعداد» (فطرت، ص ۲۵۰؛ فلسفه تاریخ، ج ۱، ص ۱۶۲). ذکر اقسام امور فطری به ما کمک می‌کند شناخت روشن تری از اصطلاح فطرت در اندیشه شهید مطهری به دست آوریم.

## اقسام امور فطری

شهید مطهری به وجود دو نوع فطرت، و به تعبیری دو دسته امور فطری، در نهاد انسان قائل است که از آن‌ها با تعبیر «فطرت ادراکی یا علمی» و «فطرت احساسی یا عاطفی» نام می‌برد. مقصود از فطرت ادراکی، امور فطری مربوط به شناخت و مقصود از فطرت احساسی، امور فطری مربوط به خواست‌های انسان است. ایشان امور فطری مربوط به شناخت را «فطریات علمی»، «فطرت، ص ۵۳) یا «فطریات در ناحیه دریافت‌ها» (همان، ص ۵۸) می‌نامد و آن‌ها را «اصول تفکر» قلمداد می‌کند (همان‌جا). این امور، آن دسته از تصدیقاتی هستند که نیازمند دلیل نیستند یا اگر دلیل بخواهند، دلیل خود را به همراه دارند. به عبارت دیگر، آنچه در منطق اندیشمندان مسلمان «اولیات» و «فطریات» نام گرفته است، در اندیشه شهید مطهری جزو «فطریات علمی» محسوب می‌شود. البته در جایی نیز از «خودآگاهی» به عنوان امری فطری یاد کرده است که نشان می‌دهد، فطریات در ناحیه شناخت در نظر ایشان اعم از ادراکات حصولی و حضوری است. فطرت احساسی، همان فطریات «در ناحیه خواست‌ها» (فطرت، ص ۵۳) است که می‌توان آن‌ها را «گرایش‌های فطری» نامید. شهید مطهری در این حیطه موارد متعددی را نام برده است که عبارت‌اند از:

## در اکثر متون دینی، مقصود از فطرت، ویژگی‌هایی است که سبب تمایز انسان از دیگر موجودات جهان می‌شود و آن ویژگی‌ها به نحوی «بالقوه» در انسان وجود دارد

۱. «عشق به کمال مطلق و گریز از نقص» که امام (ره) آن را ریشه همه افعال و تحرکات انسان می‌داند. حتی عشق به پرستش نیز ناشی از همین ویژگی انسان است (چهل حدیث - حدیث فطرت). این ویژگی، مهم‌ترین وجه تمایز انسان با سایر موجودات است و به عبارتی شاید بتوان گفت که همین میل به خداگونه شدن یا ربانی شدن، ثمره بار امانتی است که انسان بر عهده گرفت و سایر موجودات عالم، از پذیرش آن ابا کردند (احزاب/ ۷۳).
۲. «عشق و پرستش» که با تعبیرهای متعدد دیگری همچون «بعد عشقی»، «حس پرستش»، «حس تقدیس»، «غریزه دینی»، «خداجویی، خداطلبی و خداپرستی» نیز در آثار شهید مطهری دیده می‌شود. گاه نیز جمله‌هایی مثل «انسان، بالقوه متدین است» مورد استفاده ایشان قرار گرفته است که اشاره به همین بعد از فطرت دارد.
۳. «حقیقت‌جویی» که با تعبیرهای دیگری همچون «حقیقت‌خواهی» و «بعد فلسفی» از آن یاد شده است.
۴. «گرایش به خیر و فضیلت» که با تعبیر «بعد اخلاقی» نیز در آثار شهید مطهری آمده است.
۵. «گرایش به جمال و زیبایی» که با تعبیرهای دیگری همچون «بعد هنری» و «بعد هنر و زیبایی» نیز در آثار استاد دیده می‌شود.
۶. «گرایش به خلاقیت و ابداع» که تحت عناوین دیگری همچون «بعد فنی»

و «خلاقیت، فنایت، ابداع و آفرینندگی» و «میل به نوآوری و آفرینندگی» نیز به آن اشاره شده است.

۷. «آزادی‌خواهی» که به صورت تلاش‌های فردی و تحرکات سیاسی - اجتماعی جلوه می‌کند.

۸. «برتری‌طلبی» که سرمنشأ بسیاری از فعالیت‌های انسان خصوصاً در کسب جاه و مقام و شهرت است.

۹. میل به داشتن زندگی آسوده و آرام برای خود و هم‌نوعان و حتی حیوانات و گیاهان.

۱۰. میل به بقای نسل و داشتن فرزند که ملازم با میل به تشکیل خانواده است. البته شهید مطهری غیر از موارد مذکور، به ویژگی‌هایی از قبیل حق‌طلبی، حق‌جویی و عدالت‌خواهی نیز اشاره کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در گرایش به خیر و فضیلت گنجانند.

وقتی سخن از شکوفایی فطرت به میان می‌آید، پیش‌فرض آن، وجود قابلیت‌های بالقوه در انسان است؛ قابلیت‌هایی که نیازمند وجود «محیط مساعد» و «تلاش فرد» هستند تا به تدریج به فعلیت برسند. هر انسانی بسان نهال خاصی است که در صورت وجود دو شرط فوق، استعداد بالقوه‌اش او را به درختی تنومند مبدل می‌سازد و خیر و منفعتش به سایر انسان‌ها می‌رسد. هر درختی میوه مخصوص خودش را می‌دهد و هیچ درختی با درخت دیگر صد درصد مشابه و هم‌خاصیت نیست. در عین حال،

۲. امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۰). شرح چهل حدیث. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره). تهران، چاپ هفتم.

۳. آثار شهید مرتضی مطهری. (اسلام و مقتضیات زمان (ج ۱ و ۲)، امدادهای غیبی در زندگی بشر، اصول تکامل اجتماعی انسان، به ضمیمه هدف زندگی، توحید، حق و باطل، علل گرایش به مادپرستی، آشنایی با قرآن (ج ۱ و ۲)، فطرت، فلسفه تاریخ (ج ۱)، مسئله شناخت، مقالات فلسفی (ج ۲)، فلسفه اخلاق، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (ج ۱ و ۴)، نبوت، قیام و انقلاب مهدی (عج). انتشارات صدرا و حکمت. تهران.

پی‌نوشت

۱. «فایده و جهک للدين حنیفا فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلک الدین القیم».

۲. از نظر شهید مطهری این امور همان اموری هستند که در روان‌شناسی «امور روحی» نامیده می‌شوند.

منابع

۱. اکبری، رضا. «گاهی نو به نظریه فطرت و رابطه آن با شناخت خدا و گرایش به او در اندیشه شهید مطهری و کالون».

